

انفجار در برابر سفارت هند در کابل

به سبب این فاجعه خون افشان و شدیداً تأثر آفرین ، ۱۱ پیکره ذیل در این نگاشته شکل گرفت ، که آنرا به قربانبان آن اهدا می نمایم و فروپاشی مسبب اصلی این رخداد ؛ یعنی امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا را آرزو می نمایم .

کبیر توخی (09-07-2008)

به سایت وزین (پیام آزادی)

۱- توجه به تعمیر خود و تلاش برای تخریب دیگران :

امروز 9-7-2008 نظرم به چینل " دسکوری " افتاد که بر روی صفحه تلویزیون کاروتلاش انجیران و مهندسان و کارگران امریکایی را نشان می داد که چگونه بر بلند ترین قله کوه (که در سطوح پائینی آن بزرگترین بند برق جهان بنا شده و وسعت خیره کننده ، ارتفاع و پهنایش بیننده را به تحسین واد میدارد) کار ساختمان پلی در ارتفاع بسیار بلند را ، دور تر از سطح بند برق به جریان انداخته اند . سرکی بر بلندای کوه را وسایل نقلیه باید ببینند تا از سرکی که بر روی بند برق کشیده شده عبور نمایند و به آن طرف دره عمیق بروند . حالا که پل ساخته شده و یا در حال ساختمان می باشد ، موتر ها _ از سرکی که بر بالای بند برق دیده می شود و قبلاً راه عبور وسایل نقلیه بود _ چندین دور ارتفاع بیشتر راه را می پیمایند تا به دهانه پل هوایی برسند . چینیکه از فراز پل در حال عبورند و به دره ای بسیار عمیقی که در تنگنای آن دریای خروشان موج می زند ، دچار تعجبی آمیخته با تمجید و ستایش از کارکنان این پل و قدرت مالی کشور شان می شوند ؛ به آن طرف دره می رسند .

برنامه ساختمان این پل در چینل دسکوری که پایان یافت، دفعتاً در ذهنم متبادر شد که امریکا چگونه با همین تکنولوژی بسیار تکامل یافته و مدرن و امکانات مالی فراوان و داشتن بودجه هنگفت ، به آبادی و ساختمان کشور خود (بدون دغه دغه خاطر از تخریب و سبوتاژ) مشغول است در حالیکه به خاطر استحکام منافع صاحبان سرمایه که هست و بود آنکشور را در چنگال خود دارند ، سایر کشورها را به تباهی و نابودی می کشانند [تخریب محیط زیست توسط امریکا و متحدینش بحثی است در خور توجه و بسیار زیاد مهم که در این مجال ننگد] . داشته های مادی و معنوی شان را به تاراج می برند . مردم آنرا با کشتار های دسته جمعی نابود می کنند ، آتش نفاق و شقاق را در میان شان می افروزند و طیف های مختلف مذهبی را بهم می اندازند . فقر و تنگدستی و بیچارگی و غربت و مرض و اعتیاد و ابتذال و از خود بیگانگی را در این کشورها سبب میگردند و تازه از ارمغان دست داشته یعنی از "دموکراسی" و "آبادی" و "بازسازی" و "رفاه" و "تأمین امنیت" برای این کشورها می لافند و بخود می بالند . و در این گیر و دار ، ریزه خواران خوان نعمات شان ، یعنی رسانه های مزدور بشمول صاحبان سایت ها انترنتی و قلم فروختگان بی آرمش ، هم آرام ننشسته در آرایش و ستایش کارو کردار جنایتبار و فاجعه آفرین شان می نویسند و با حرافی و جمله پردازی تمسخر بر

انگیزی مردم را می فریبند . و منتقدین وطن پرست و مبارزین این سرزمین ها را به خاطر اشاعه تفکر بسیج مردم در برابر حامیان خارجی شان [با های و هوی و ها ... ها... های دلکان دربار ظاهر شاه] بباد استهزا میگیرند و هر کدام شان می کوشند در این مسابقه وطن فروشانه ضریب ستایش و آرایش از بادران امریکائی شان و نقد و انتقاد از وطن پرستان و مبارزین انقلابی ضد سلطه ارتجاع و امپریالیزم و سرمایه و اشکال وابستگی را با نوشتن به نامهای مستعار افزایش داده و شمار نویسندگان تائید کننده ی تجاوز امپریالیزم جنایتکار و اشغالگر امریکا را بیشتر و بیشتر نشان می دهند.

۲- "تاوان" دو آسمان خراش :

برای رهایی از اثرات زجر دهنده تداعی این تصویر خونین [جنایات امریکا و ستایش دلکانش] به سایت خبری بی بی سی نگاهی انداختم . درج خبر نامیمون فاجعه عظیم یعنی انفجار در برابر سفارت هند و کشتار انسان های بی گناه ، گرسنه ، و ناچار و هر دم شهید این سرزمین اشغال شده و عکس انسان های آتش گرفته و شقه شقه شده ، سراسرا وجودم را (مانند هر هموطن بادر ما) به لرزه در آورد .

در اثنای مرور صفحه بی بی سی تصویر فرو ریختن دو برج نیویارک و از بین رفتن صد ها انسان بی خبر از پروژه انهدام آن برجها توسط عوامل امپریالیست ها نیز ، در صفحه خاطر م به حرکت در آمد که چگونه این برج ها ، جا به جا بالای تهداب شان فرو نشستند . درست مانند میخی که سر تیز آن بر زمین نرم و قسمت بالایی آن در زیر پای کسی قرار داشته و با فشار پا بر میخ ، جا به جا میخ بر زمین فروبرود . همینطور هر دو برج بر زمین فرو رفت . چینل دسکوری تلویزیون کانادا بار ها تخریب تعمیرات بلند منزل را نشان داده که به خاطر نه لمیدن و نه غلتیدن تعمیر به اینسو و آنسو ، یعنی به روی خانه ها و یا تعمیرات همسایه هایی که در دور و بر آن قرار دارند و برای جلوگیری از سقوط و غلتیدن آن به یکطرف ، متخصصین ، مواد منفجره به تمام پایه هایی هر منزل آن تعمیر ، که بر روی آن اتکا داشته ، مقدار معینه مواد منفجره را تعبیه می نمایند . بعداً با چارچ برقی مواد تعبیه شده را منفجره می کنند . تعمیر طوری بر زمین می نشیند تو گویی جریان آب را در فواره آبی دفعتاً متوقف کرده باشند و فواره آب به آرامی به جایی که از آن فوران کرده ، می نشیند . مواد منفجره قبلاً در تمام منزل های این دو برج "دو گانگی" نیویارک (دور از چشم دیگران و شاید هم به بهانه نصب یک آله خنثی کننده بوی بد و غیره در مدت های معینه) تعبیه شده بود . به هر رو بعد از اصابت طیاره به برجها ، برجها در واقع با همان مواد منفجره قبلاً تنظیم شده در پایه های اساسی هر منزل ؛ جا به جا نشستند . امریکا خود ، این دو آسمان خراش را در واقع قربانی کرد تا برای گردانندگان سیاست تجاوز و اشغال افغانستان و عراق دستاویزی شده بتواند . و از سالهای تجاوز و اشغال بدینسو در پی "تاوان" دو برج افغانستان و عراق را به خاک و خون کشیده ثروت های مادی و معنوی دو کشور به تاراج می برد .

۳- هری ترومن "اختیار دار" دو بمب اتومی امپریالیزم امریکا :

به خاطری که برخی از خوانندگان از شیوه بررسی و علت انهدام دو برج نیویارک - که رسانه های مزدبگیر تخریب آنها را کار القاعده وانمود کرده - در تعجب اندر نشوند ، بگذار سری به گذشته

ی تاریخ نه چندان دور امریکا بز نیم و کارکرد مردی را که بیشترین خصوصیاتش مشابه با بوش بود، بر روی صفحه کاغذ بیاوریم .

مافیا (انحصارات امریکایی) بجای روزولت فلج و مریض ؛ اما متین و با وقار (ریاست جمهوری وی در امریکا مصادف به جنگ دوم جهانی بود) فردی را در ایالت میسوری پیدا کردند که برای تکیه زدن به کرسی سنا اشتیاق خاصی نشان می داد و روی همین هدف (یعنی دست یافتن به قدرت که ثروت ملیون و ملیارد دالری را در پی دارد) خودش را به رئیس مافیای محلی بسیار نزدیک نموده بود . این فرد هری ترومن بود که با کمک مستقیم باند های تبهکار مافیائی سناتور شده بود ... در این زمان ساختمان بمب های اتمی امپریالیزم امریکا توسط دانشمندان هسته ای آن کشور به پایه اكمال رسیده و قدرت های مالی و نظامی در انتظار انفجار آن دو بمب به شهر های ناکازاکی و هیروشیمای جاپان دقیقه شماری میکردند . خیال خام انحصارات امریکائی برای در بند کشیدن خلق های جهان، وزارت دفاع آنکشور را برآن داشت تا از بمب های اتمی حاضر و آماده استفاده کنند . با مرگ روزولت ، ترومن را رئیس جمهور ساختند ، تا نقشه انفجار دو بمب خود را در جاپان عملی سازند . او را در قصر سفید نشانند تا دستور حمله به جاپان با بمب اتمی تازه ساخته شده را امضا کند ! یعنی بر گشتار صد ها هزار انسان وبه نمایندگی از مردم امریکا با قلم خونینش صحه بگذارد و این ننگ تاریخی را بپذیرد ، که با دل آرام و خیال راحت پذیرفت .

پروفیسور فرانکو بایننتی در اثر دو جلدی اش تاریخ جنگ دوم جهانی (که زمانی مجله " تهران مصور " و یا مجله " اطلاعات " چاپ ایران آنرا بصورت پاورقی بدست نشر می سپرد و نگارنده آن مجموعه را در کابل داشت) نوشته بود : « اساساً جنگ به پایان رسیده بود و ضرورت به انهدام دوشهر بزرگ جاپان و قتل عام صد ها هزار باشنده ی آن با بمب اتمی نبود » نقل به مفهوم . بلی خواننده عزیز و سخت گیر! سیستمی که به خاطر قدرت نمایی مشتاق نابودی دو شهر بزرگ با صد ها هزار نفوسش باشد قربان کردن دو برج و کارکنانش که بهانه ای شده بتواند برای تجاوز و اشغال افغانستان و عراق ، کاریست سهل و آسان ، درست مانند آشامیدن یک پیک شراب تلخ و کهنه برای امپریالیست های جنایت کار امریکا.

۴- قدرت نمایی به مقیاس هزاران هزار بار کوچکتر...

بیائید به مقیاس هزاران هزار بار کوچکتر از پرتاب بمب های اتمی به دو شهر جاپان ، این قدرت نمایی را در وجود سربازان آدمکش امریکائی در انداخت راکت بالای افراد بیگناه و برآمده از یک محفل عروسی در ننگر هار از زبان بی بی سی بشنویم (بخوانیم) :

« 21:36 گرینویچ - یکشنبه 06 ژوئیه 2008 - 16 تیر 1387

حمله موشکی به مهمانان عروسی در افغانستان

*- « حداقل بیست تن در حمله موشکی نیروهای ائتلاف در ولایت شرقی ننگرهار کشته شده اند . به گفته افراد محلی ، کشته شدگان که بیشتر آنها زن و کودک هستند، از مهمانان یک جشن عروسی بوده اند. »

*- « خبرگزاری فرانسه به نقل از همیشه گل، فرماندار ده بالا در ولایت ننگرهار، تعداد کشته شدگان در حمله روز یکشنبه را ۲۲ تن گزارش کرده است. نوزده تن از این افراد زن و کودک هستند. »

* - « به گفته مارتین پیتشنس، خبرنگار بی بی سی در کابل، زیاد شدن تعداد تلفات غیرنظامی در افغانستان فشار سیاسی بر دولت این کشور و نیروهای نظامی بین المللی را افزایش داده است. »

*- « یکی از مجروحان این حادثه که در بیمارستان جلال آباد بستری شده است به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که حادثه دیدگان بخشی از یک گروه ۸۰ تا ۹۰ نفری بوده اند که پس از مراسم عروسی، راهی خانه داماد شده بودند. »

هر خواننده مسئول در قبال رخداد های خونین کشور، پی آمد روز افزون و فاجعه آفرین این اشغال را ، چه در کشور خود ، چه در کشور عراق مشاهده می تواند . پی آمد هایی بعدی راکه هزاران و حتا ده ها هزار قربانی دیگر را (که به خاطر استحکام پایه های استعمار و استثمار در هر دو کشور باید به قتل برسند) بدون شک در آینده نیز منتظرش باشند . شمار این قربانیان به بیشتر و بیشترین رقم خواهد رسید . آخر تاریخ استعمار در اشکال کهنه و نو آن ، این را به وضاحت نشان داده است

۵- " کار کار طالبان است " :

منهای چاکران قلم بدست و سایت هایی که به نحوی از انحاء با دولت دست نشانده بر سرمدمداری کرزی - این موره خونین و چرکین دست سازمان سیا - در تماس های علنی و مخفی قرار دارند و در صدد تحکیم پایه های لزران دولت دست نشانده کرزی می باشند ؛ دیگران بدرستی می دانند که تولد و ظهور طالبان ناشی از تراوش غده چرکین سیا در بطن ISI بوده که رشد سریع اشرا پیموده و چند سالی با سلاخی مردم و نابودی داشته ها و ارزشهای فرهنگی آنان حاکم کشور هم شدند . این جاهلان مطابق پروژه سیا اکنون بر اساس رهنمود های " اسلام عزیزشان " هر چند گاه موجب قتل و کشتار های دسته جمعی در داخل و گاهی هم در خارج کشور میگردند . و دیگران ، یعنی تمام خلقهای شریف ، صلح دوست و آزادیخواه کشور ما از همان آغازین روز تجاوز ارتش امریکا به کشور آنرا اشغال خواندند ؛ چنانچه با طنز در هر کوی و برزن (در حالیکه با انگشت به طرف (طیارات ب ۵۲) که در آسمان در حال پرواز بودند ، اشاره کرده می گفتند : " رئیس جمهوری اصلی ما آنهاست نه کرزی " .

کشتار و قتل عام مردم ما در این واقعه سازمان داده شده (انفجار بمب در برابر سفارت هند) را بیشترین افراد به همین طالبان نسبت داده آنان را مقصر اصلی می پندارند ؛ حتا بلندگوی دولت دست نشانده یعنی همایون حمید زاده هم این نظر را دارد .

حال به برداشت وی (از زبان بی بی سی) از این واقعه اسفناک در زیر توجه کنیم :

« همایون حمیدزاده در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که سازمان های استخباراتی (اطلاعاتی) پاکستان در پس این حمله بوده اند روز دوشنبه در کابل روی داد.

سخنگوی حامد کرزی گفت که این بمب گذاری دارای تمام مشخصاتی بوده است که قبلا سازمان های استخباراتی پاکستان در افغانستان انجام داده اند. »

حالا که که نظر دولت دست نشانده و بلند گوی جیره خوارش را مطالعه نمودیم ببینیم که احتمالات دست کی رادر کار انفجار آن نشان می دهد .

قتل و کشتار های زیادی به طالبان و القاعده نسبت داده شده ، از جمله ترور " قهرمان مسعود " [که در نوشته های بعدی در مورد آن بیشتر صحبت خواهد شد که کار تروریست های عرب نبوده بلکه آمران اصلی وی یعنی استخبارات روس در قتل آن دست داشتند] . حالا هم این آوازه را پهنای بیشتر می دهند که این کار ، کار طالبان و القاعده است . قسماً شماری از قلم بدستان سطحی نگر ؛ اما عمدتاً درین شکل تبلیغات شورای نظاری ها و سایر جنایتکاران اخوانی که بنام " ائتلاف شمال " به اصطلاح کسب هویت سیاسی نموده و مصلحتاً در خدمت بدار جدید خود یعنی امپریالیزم امریکا قرار گرفته اند ، دست دراز دارند ؛ همینطور پرچمی ها و خادی و طیف بی مایه سازانی های نفاق افکن و تجزیه طلب به سرباندی لطیف پدرام خادی - جهادی - ساواکی - واواکی .

۶- اجمالی از روابط هند با شوروی سابق :

از آنجایی که جنگ و منازعات در عرصه های مختلف سیاسی و نظامی و ... فی مابین هند و پاکستان - از سالیان متمادی بدینسو - جریان داشته مانند انفجار بمب در همین اواخر در شهر مشهور هند بمبئی . نسبت دادن بمب گذاری به دولت پاکستان پس منظر دور و درازی دارد . دولت هند که به اصطلاح غربی ها " در ایام جنگ سرد در مدار شوروی " قرار داشت و در سطح جهان هم از " ملل متحد " (این سوت و چماق دست امریکا) گرفته تا سایر نهاد های سیاسی و اقتصادی به بالکه شوروی تبدیل شده بود . چنان مرآوده و پیوندهای سیاسی ، نظامی ، فرهنگی ، اقتصادی و ... با " کشور شورا ها " بر قرار نموده بود که مایه تعجب برخی از قلم بدستان سطحی نگر در سطح جهان هم شده بود . این کشور (و به طور اخص پاکستان) که تا کنون نیم قرن از آزادی اش سپری شده نتوانسته اثرات بسیار مخرب غده چرکین و ملتهد دوره ی مزلتبار استعمار انگلیس را از روح و روان جمعی (از وجدان اجتماعی) مردمش پاک نماید ، تجهیزات نظامی و سایر ساز و برگ جنگی خود را از شوروی وارد میکرد . ذهنیت اکثریت مردم هند همچنان بر این مبنا شکل داده شده بود که گویا " اتحاد شوروی سوسیالیستی دوست بسیار خوب و منجی مردم هند در برابر دو دشمن پر قدرت یعنی چین و پاکستان می باشد " . در منازعات بین هند و چین همچنان در " شورای امنیت ملل متحد " [که هند به خاطر عضویت در آن - مزید بر دیگر - خودش را به امریکا نزدیک ساخته است] ، کشور « شوروی » از منافع هند در برابر پاکستان و چین به دفاع بر می خاست . این کشور (هند) تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را مثل کشور کوبا به گونه ای دیگر شاد باش گفت و پیوند های مخفی در عرصه های مختلف با دولت پوشالی کارمل و دیو خاد نجیب بست . زمینه نداوی سربازان وطن فروش و زخمی دولت پوشالی در شفاخانه های هند ، از جمله در شفاخانه نظامی در حومه دهلی جدید نزدیک به ویکاسپوری هم تدارک دیده شد ؛ چنانچه ادامه این کمک تا زمان فرار شورای نظاری ها به سر باندی " مسعود قهرمان " به ساحات مرتفع و صعب العبور پنجشیر ، در این شفاخانه ادامه داشت . مرآوده و پیوند دولت پوشالی کارمل - نجیب با هند در حدی ارتقاء کرده بود که طبق گفته یک تن از پناهنده های افغان در دهلی ، « در هنگام مسافرت گربا چف به دهلی جدید به تعدادی از خادی های معرفی شده از طرف سفارت افغانستان مقیم دهلی جدید به سازمان اطلاعات هند (RA) تفنگچه داده شده بود تا امنیت گرباچف را در میان افغانهای تظاهر کننده بگیرند » در همین رابطه یک تن از پناهندگان مبارز افغان در دهلی که هم اکنون در تورنتو اقامت دارد (بشیر نبی) روز گذشته در این زمینه اظهار داشت : " در تظاهراتی که از جانب پناهندگان افغان بر ضد گرباچف و اشغال افغانستان در دهلی سازمان داده شده بود سبب گردید پولیس مسیر راه گرباچف در

دهلی جدید را تغییر دهد. از همین خاطرزد و خوردی میان پولیس و تظاهرکنندگان صورت گرفت که در نتیجه چندین تن افغان زخمی شدند بشمول من حدود سی تن از آنان گرفتار و به زندان مرکزی در دهلی انتقال داده شدند و بعد از چند روز از زندان رها گردیدند " ؛ زمانی که نگارنده به هند پناهنده شد خود متوجه گردید که خادی ها در نقش قاچاقبر متکی به یاری پولیس هند پرچمی ها و خادی های بخش خارجی خاد را از دهلی به کشور های غربی انتقال میدادند ؛ هکذا کارمندان اطلاعات هند که در نقش مامور در دفاتر " سازمان ملل برای پناهنده گان" مشغول کار بودند خلقی - پرچمی و خادی ها را به سمت ترجمان و... در آن دفتر و مربوطات آن استخدام می کردند و زمینه انتقال هرچه زودتر آنان را به کشور های غربی فراهم می ساختند ؛ همچنان بر گماری خلقی - پرچمی - خادی ها در سایر موسسات هندی مثل شفاخانه های دولتی و کلینیک های شخصی از جمله کلینیک دندان داکتر گوپتا عضو حزب کمونیست و عضو پارلمان هند و سفارش اینها و فامیل های شان به صاحبان خانه های کرایه تا آنان را مورد اذیت و آزار قرار ندهند و با اقامت دوامدار شان کدام مخالفتی نشان ندهند { در خاطراتم از هند به صورت مفصل در همین رابطه خواهم نوشت } .

۷- چند نکته در مورد نزدیکی هند با امریکا :

گاه ای کوهواره شده ی اتکای هند که از هم پاشید و گرد و غبار آن به هوا شد (یعنی سیستمی که سوسیال امپریالیزم شوروی بر مبنای آن استوار بود فرو پاشید) ، این کشور استعمار زده در تجسس اتکای مستحکمتر، نیرومند تر و دیرپاتری برآمد . امپریالیزم امریکا که بعد از استقلال هند و برآمدن استعمار کهنه پیخ جهان از قاره هند و تمایل روز افزون این کشور تازه به استقلال رسیده به جانب "کشور شوراها" خوشنود نبود [همانطوری که از نزدیکی سردار داود با شوروی ابراز تشویش می کرد] . امریکا برای اعمال نفوذ فرهنگی ، اطلاعاتی ، سیاسی ، نظامی ، اقتصادی در این کشور غنی از طرق مختلف سعی می نمود . بعد از فرو پاشی شوروی به آرزوی دیرینه اش رسید [تا سالهای 1995 که این قلم در هند اقامت داشت کالای ساخت کشورهای خارجی بخصوص کشور های اروپایی و امریکایی و جاپانی در بازار های آن دیده نمی شد . منهای خرید و فروش بعضی اقلام ساخت این کشور ها که به طور غیر قانونی وارد هند می شد؛ مثل رادیو ، تیپ ریکاردر ، ساعت و... ، آنها در خفا و دور از نظر پولیس خرید و فروش می شد . کسانی هم بودند که با داشتن کالای ساخت خارج مباحثات میکردند و بر دیگران ناز می فروختند .] از آنجایی که کشور استعمار زده هند بورژوازی وابسته به امپریالیزم جهانی ، طور اخص بورژوازی سوسیال امپریالیزم شوروی و نمایندگان سیاسی آن عادت کرده بودند که منجی ای در سطح جهان داشته باشند، بنابر همین عدم اعتماد به نیروی مردم رو به جانب غرب - در رأس امپریالیزم امریکا - نمودند و در زمینه های مختلف با امریکا قرارداد هایی را منعقد کردند . از نخستین روزی که این سیاست وارد عمل شد ، دیگر فروش کالا های پر زرق و برق غربی در هند به سرعت ترویج یافت ؛حتا ستاره های دریک سینمای هند (بالیوود) هم جاکت های که بیریق امپریالیزم امریکا در آن نقش بسته بود را زیب تن خود ساختند . [در ارتباط با صدمه دیدن صنایع هند و فقر روز افزون مردم آن از این ناحیه ، موضوع و مطلب زیاد در میان است که مورد این بحث نمی باشد] .

۸- نگاهی به توافق نامه هسته ای میان هند و امریکا :

و حال نگاهی به اخبار پخش شده این توافق نامه توسط بی بی سی ، می اندازیم تا برخی از عوامل نزدیکی این کشور را بامریکا بیشتر روشن گردد:

* - « در اواخر ماه ژوئیه و پس از ماهها بحث و گفتگو در محافل سیاسی آمریکا، مجلس نمایندگان این کشور به توافقنامه تازه همکاری هسته ای میان آمریکا و هند رأی مثبت داد. »

* - « براساس این قرارداد، بطور ساده هند به فناوری هسته ای غیرنظامی ساخت آمریکا دست خواهد یافت و در مقابل باید برخی تاسیسات اتمی خود را به روی بازرسی های بین المللی بگشاید. »

* - « براساس این قرارداد، آمریکا فن آوری و سوخت هسته ای در اختیار هند قرار خواهد داد و در مقابل، دولت هند نیز با بازرسی بین المللی از تاسیسات هسته ای غیرنظامی این کشور موافقت خواهد کرد. »

* - « ...، آمریکا دولت هند را تحت فشار قرار داده تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در ماه نوامبر سال جاری توافق هسته ای دو کشور را امضا کند. »

* - « سنای آمریکا بزودی قرار است متن همکاریهای هسته ای بین هند و آمریکا را بررسی کند. متن ترکیبی مصوبه مجلس و سنای آمریکا برای قانون شدن باید از سوی رئیس جمهور آمریکا امضاء شود. »

شماری از بروکراتان و نظامیان وابسته به سرمایه جهانی در رابطه با این قرار داد چنین ابراز نظر نموده اند :

* - « موافقین اما بر این عقیده اند که شرایط جدید جهانی ایجاب می کند که اگرچه نیابستی تغییری در اصول بنیادی سیاست خارجی هند داد، اما باید روشهای جدیدی را اتخاذ کرد که در راستای سیاست خارجی هند و منافع این کشور با شرایط کنونی منطقه و جهان نیز تطبیق داشته باشد.

* - « مانموهان سینگ، نخست وزیر هند، اعلام کرد که دولت وی به تلاش برای دستیابی به توافق با آمریکا در زمینه همکاری های غیرنظامی هسته ای ادامه خواهد داد. »

* - « ناخدا اودی باسکار، از افسران نیروی دریایی هند، تاکید دارد که این توافق نامه "در جهت منافع دو کشور است." به گفته او مجموع این توافق نامه و دیگر موافقتهای هند و آمریکا مانند همکاریهای نظامی بین هند و آمریکا به نفع هر دو کشور است.

تامین بخشی از انرژی مورد نیاز هند، تلاش هند برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل، تلاش برای ریاست سازمان ملل با پایان دوره کوفی عنان، دبیر کل کنونی، روابط با چین و پاکستان و قضیه کشمیر از جمله منافع استراتژیکی است که موافقان به آن اشاره می کنند. »

*- « ناخدا باسکار در خصوص انتقاد مخالفان درباره "مسابقه تسلیحاتی" در منطقه اصولاً واژه مسابقه تسلیحاتی را واژه ای مربوط به دوران جنگ سرد می داند و می گوید که البته کشورهای منطقه ممکن است به "مدرنیزه کردن" نیروهای نظامی خود دست بزنند.»

*- «تامین بخشی از انرژی مورد نیاز هند، تلاش هند برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل، تلاش برای ریاست سازمان ملل با پایان دوره کوفی عنان، دبیر کل کنونی، روابط با چین و پاکستان و قضیه کشمیر از جمله منافع استراتژیکی است که موافقان به آن اشاره می کنند.» بررسی و استنتاج از هر یک (پیکره های بالا) وقت و زمان بیشتر را می طلبد.

۹- نظر احزاب چپ در مورد این توافق :

عمدتاً مراد از احزاب چپ حزب به اصطلاح کمونیست "مارکسیست - لنینیست" ، یعنی پرچمی های هند می باشد که همیشه برای منصرف ساختن توده های عظیم هند از یک انقلاب ملی - دموکراتیک طراز نوین با هزار و یک نیرنگ و خدعه و دسیسه جلو گیری کرده اند و همیشه نقش بلی گوی و تأیید گر حزب حاکم و بورژوازی دلال وابسته به شوروی بوده اند ؛ مانند برادران تنی شان در افغانستان یعنی خلق و پرچم و خاد و طیف های مشخص آنها که تا هم اکنون در رابطه با FSB(نام KGB) قرار دارند و بنابر دستور این سازمان در خدمت امریکا هم قرار گرفته اند.

و حال به نظر احزاب چپ از زبان هدفمند بی بی سی در زیر توجه کنیم:

« 12:12 گرینویچ - سه شنبه 08 ژوئیه 2008 - 18 تیر 1387

کمونیستها به حمایت از دولت هند خاتمه دادند احزاب کمونیست در پارلمان هند گفته اند که در اعتراض به توافق هسته ای این کشور با آمریکا به حمایت خود از دولت ائتلافی پایان می دهند. »

*- « نیلوتپال باسو، از رهبران ارشد حزب کمونیست هند (مارکسیست) می گوید: "ما با متنی (که از سوی مجلس نمایندگان تصویب شده) مخالف هستیم. مشکل ما این است که متن تصویب شده انحراف از سیاست خارجی هند است که بر اصول پایه ای آن بین احزاب دولت ائتلافی موافقت شده است. »

*- « احزاب چپگرا گفته اند که این توافق باعث تأثیرگذاری ایالات متحده بر سیاست خارجی و هسته ای دولت هند خواهد شد. » .

*- « کمونیست ها در مجلس خلق - مجلس سفلی پارلمان هند - پنجاه و نه کرسی دارند و قطع حمایت آنان از دولت ائتلافی باعث می شود تا دولت تنها دویست و بیست و شش کرسی از مجموع پانصد و چهل و سه کرسی مجلس را در اختیار داشته باشد.

به این ترتیب، دولت ائتلافی اکثریت خود را در پارلمان از دست خواهد داد و به حمایت سایر احزاب برای تصویب لوایح خود متکی خواهد شد. » .

۱۰- دو احتمال مقرون به حقیقت :

بنا بر رخدادهای سیاسی بر سر توافق همکاری های اتمی بین هند و امریکا ، امپریالیزم روسیه که در حال ترمیم و بلند شدن از مخروبه های شوروی سابق می باشد و خطر نابودی منافع خود را در منطقه و در زنجیره جمهوری های شوروی سابق از ناحیه گسترش روز افزون نفوذ نظامی امریکا بر مناطق استراتژییک و حیطة نفوذ نظامی و سنتی اش احساس می کند ؛ می باید دست به مانور تروریستی در برابر سفارت آن کشور (هند) در کابل بزند و این انفجار مدعش را از زبان چاکران جمعیتی ، شورای نظاری ، دوستمی ، پرچمی - خادی (به شمول جنایت کاران " ائتلاف شمال ") اش جار زده آنرا به طالبان و آی اس آی (این دست پرورده های امریکا و انگلیس) بچسپاند تا اگر موفق گردد مناسبات مزورانه رقیب محیل تر از خودش (امریکا) را ذهن نشین کنگره بی های اتکا جو و گریخته از آغوشش نماید و به اندک تبس و تمایل آنان امید وارگردد . [همان شکلی که در جریان جنگ مقاومت مردم افغانستان تلاش کرد تا حکمتیار خود فروش و بی آبرو را از دم آی اس آی جدا ساخته دوباره به آغوشش باز گرداند .]

و احتمال دومی این است که ایالات متحده امریکا از طریق سیا در قالب القاعده و یا طالب (البته بدون آنکه بخش هایی از صفوف القاعده و طالب مامور بالایی شانرا به مثابه عضو سیا شناسایی کرده باشند) به این عمل سخت ننگین و ضد انسانی دست یازیده باشد [همان قسمی که با انهدام مجسمه های عظیم بودا آخرین میخ جهالت را بر پیشانی امارت طالبان جاهل کوبید و مردم جهان بخصوص ملیونها بودائی را شدیداً بر ضد این وحشیان قرار داد - کاری را که هم اکنون عامل اطلاعاتی اش احمدی نژاد در ایران انجام میدهد را موقتاً نادیده می گیریم] ، تا حربه فشاری ناشی از مخالفت طیف های اپوزیسیون چپ - در رابطه با عدم همکاری هسته ای کشور شان با امریکا در حال و آینده - را که بر رهبران حزب حاکم وارد می شود کمتر ساخته آنان را از تزلزل و دل شورگی ناشی از این مخالفت که پی آمد های ناگواری برای حزب حاکم خواهد داشت برهاند [حزب حاکم که به خاطر این نزدیکی با امریکا از چشم عوام الناس افتاده و طیف های آنان به جانب احزاب دیگر من جمله حزب کمونیست (م ل م) هند متمایل شده اند] ، و از جانبی دیگر کرسی و شرکای وطن فروشش را دچار هراسی ناشی از قدرت گرفتن روز افزون طالبان نموده و حضور نظامی خود را در افغانستان به خاطر تداوم مبارزه علیه تروریزم موجه جلوه داده ، گویا بر مردم جهان و خلق های در بند افغانستان محنت هم بگذارد .

۱۱- « مرتجعین سنگی را که بلند کرده اند عاقبت روی پای خودشان خواهد افتاد » :

بهر رو ، بر ضد امپریالیزم و ارتجاع و قلم فروختگان شان چون موج های توفنده و سر به هوا کشیده ، باید ایستاد . و آنانرا به لجنزار های شان دوباره پرتاب کرد . همانطوری که پدران ما دزدان دریائی آمده از آنطرف آب های گرم را با مذلت و سرافکندگی از خاک شان بیرون راندند و ارتش گرسنه و خود فروش سوسیال امپریالیزم شوروی را نیز به زباله دان تاریخ ننگین شان سپردند .

مردم شریف امریکا (تجلی آن در شهر بزرگ سانفرانسیسکو) تصمیم دارند منبع فضلات آن شهر را بنام بوش تسمیه نمایند و معتقدند که تا بیست سال آینده هم مردم امریکا قادر نخواهند بود چتلی های که بوش بمیان آورده آنرا پاک نمایند . طرفداران بوش آن شهر و مردم هوشیارش را دیوانه خوانده است (نقل به مفهوم از اخبار بی بی سی برای ایران) .

بگذار قلم فروشان این سر فرود آوردگان در برابر " عظمت " ارتش جنایتکار و اشغالگر امریکا (و قبلاً در برابر ارتش جنایتکار سوسیال امپریالیزم شوروی) و تقدیس تجاوز این امپریالیزم و آن امپریالیزم به افغانستان تسخیر ناپذیر، نویسندگان با تبحر، دلیر و دشمن شناس را " عصبی " ، " دیوانه " ، " چرسی " ، " بنگی " ، " دگماتیست " ، " انقلابی نما " ، " زیر سقف نشین " ، " معاش خور و لفیر و سوسیال " بخوانند . تاریخ هزاران بار نشان داده که وابسته ها ، اجیران و مزدوران و اجنتان در قالب های مختلف ، سر انجام برملا و سرافکنده شدند و در آینده نیز خواهند شوند ، و یا بگفته ی مائو تسه دون : « مرتجعین سنگی را که بلند کرده اند عاقبت روی پای خودشان خواهد افتاد » .